

مفاهیم آینده‌نگر در اسلام و آثار تربیتی آنها

دکتر سوسن کشاورز

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم

چکیده

آینده مفهومی است که اندیشه و تأمل در خصوص آن، برای همگان لازم و پرجاذبه است. افراد دوست دارند بدانند سرنوشت جهان در آینده چگونه رقم خواهد خورد؟ انسان چه اهداف و برنامه‌هایی برای آینده باید داشته باشد؟ با توجه به پیشرفت‌های صورت گرفته در عرصه‌های مختلف، آیا بشر در آینده به عدالت، امنیت، رفاه و آسایش دست خواهد یافت؟ چگونه می‌توان از رخدادهای و موقعیت‌های پیش آمده فعلی، جهت کیفیت‌بخشی به فعالیت‌های آینده بهره جست؟ امروزه فهم آینده و تصویرسازی واقع‌بینانه از آینده، امری بایسته و ضروری به نظر می‌آید. از آنجا که خداوند مدبر و آگاه، نظام هستی را با غایت‌مندی ترسیم نموده است؛ قطعاً چشم‌اندازهای آینده‌نگرانه‌ای را برای روشن شدن مسیر حرکت آدمی مورد نظر قرار داده است که آگاهی افراد از این دورنماها و کسب معرفت صحیح درخصوص آنها می‌تواند نقش اساسی در جهت‌دهی و کیفیت‌بخشی به بینش، نگرش، گرایش و اعمال و رفتار آدمی ایفا نماید. بدین منظور این نوشتار به دنبال آن است که مفاهیم مورد اشاره در آموزه‌های دین اسلام را که دلالت آشکار و ضمنی بر مفهوم آینده‌نگری دارند شناسایی و آثار تربیتی آنها را در ابعاد فردی و اجتماعی بیان دارد.

واژه‌های کلیدی

مفاهیم آینده‌نگر، اسلام، آثار تربیتی.

مقدمه

رفع ناآگاهی از آینده، از اصلی‌ترین دغدغه‌های خاطر انسان در طول تاریخ بوده و آدمی همیشه به دنبال آن بوده است که از آینده خود آگاه شود و آن را به نحوی که خود می‌خواهد، سازمان دهد. پایه این کار برای او، شناخت آینده و مقدمه این شناخت، پیش‌بینی آینده بوده است. با توسعه زندگی اجتماعی انسان‌ها و گسترش معارف بشری، انسان به دانش‌هایی برای شناخت بهتر آینده و پیش‌بینی آن دست یافت. در علوم انسانی و اجتماعی نیز از همان سپیده‌دمان تاریخ، پیش‌بینی آینده، آمادگی برای آن و حتی طراحی آینده و کوشش برای تعیین آگاهانه و ارادی آینده، دغدغه‌خاطر فرزندانگان اقوام و به‌ویژه فیلسوفان بوده است. در این باره مدت‌ها، «روش تخیلی - فلسفی»، روش برتر پیش‌بینی و طراحی آینده بود. در چارچوب این روش، دانشمندان و متفکران برجسته با استفاده از انحصاری از قدرت تخیلی خویش، بیم‌ها و امیدهای جامعه انسانی را مرور کرده، براساس ذهنیات خود، وضعیت ایده‌آل و آرمانی خود را به شکل مدینه فاضله ترسیم می‌کردند (مومنی، ۱۳۷۵، ص ۱).

مصلحان اجتماعی، سیاستمداران و حتی عارفان و سوفیست‌ها، هریک به‌گونه‌ای به آینده نظر داشته‌اند. صرف‌نظر از جامعه مطلوب آینده‌اندیشان دینی، نخستین نمود ترسیم جامعه مطلوب آینده را در آثار فیلسوفان می‌یابیم که در چارچوب نگرش فلسفی خاص و متأثر از اوضاع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی جاری، آرمان شهر خویش را بر تاروپود تخیل - فلسفه، طراحی کردند. جمهوری افلاطون مثل اعلای طراحی فیلسوفانه جامعه بر پایه تبیین فلسفی خاص جهان، همراه تخیل است. از جمله مثل‌های دیگر این‌گونه آرمان شهرها را می‌توان شهر خدای اگوستین قدیس، مدینه فاضله فارابی، شهر آفتاب کامپانلا و اتویای توماس مور دانست. در تداوم پیشرفت تاریخی معارف بشری، تفکر تخیلی - فلسفی در علوم اجتماعی، جای خود را به تفکر تاریخی - فلسفی داد. در این روش، پژوهشگران و دانشمندان برای شناخت آینده به ایجاد پیوند میان معرفت‌های تاریخی و فلسفی می‌پردازند و با تکیه بر دانسته‌های قبلی خود آینده را پیش‌بینی می‌کنند. آثار ابن‌خلدون، مارکس، اشیپنجر، آرنولد توین‌بی و دیگران نمونه‌هایی از این نحوه آینده‌نگری هستند (همان).

در اوایل قرن بیستم آینده‌شناسی، اصول اساسی خود را یافت و پیش‌بینی‌های علمی بر مبنای عملکرد و روابط علمی بین پدیده‌ها در گذر زمان استوار شدند و آینده‌شناسایی‌های علوم اجتماعی، بر این اساس شکل گرفتند. هنگامی که مردم درک بهتری از آینده به دست آوردند، برای تأثیرگذاری مثبت بر آینده‌ای که در حال تکوین است، فرصت‌های بیشتری خواهند داشت. از آنجایی که خداوند با تدبیر خویش، نظام هستی را با غایت‌مندی ترسیم نموده است؛ بنابراین برای زندگی انسان در این کرانه هستی نیز هدف مشخصی در نظر گرفته است تا آدمی بتواند با توجه به این دورنما و چشم انداز ترسیم شده و کسب شناخت و بینش پیرامون جوانب مختلف آن با آگاهی و معرفت صحیح و لازم، مسیر حرکت خویش را در آینده ترسیم نماید و اعمال و رفتارهای خویش را براساس آن بنیان نهد و اساساً آگاهی از این چشم انداز می‌تواند به آدمی جهت اصلاح رویه‌ها و جهت‌دهی صحیح به مسیر حرکت خویش کمک شایانی نماید. به همین دلیل این نوشتار به دنبال آن است که ابتدا مفاهیم مورد اشاره در متون دینی اسلام را که دلالت آشکار و ضمنی بر مفهوم آینده‌نگری دارند را شناسایی کند و سپس بعد از تحلیل و بررسی، به بیان آثار تربیتی آنها بپردازد. باید توجه داشت در صورتی که در نظام تعلیم و تربیت کشور تمهیدات و سازوکارهای مناسبی جهت عملیاتی نمودن این مفاهیم در قالب نظام برنامه‌ریزی درسی و محتوای مطالب درسی صورت گیرد، قطعاً شاهد اثر سازنده آنها، در زندگی فردی و اجتماعی افراد جامعه خواهیم بود.

مفاهیم آینده‌نگر در اسلام و آثار تربیتی آنها

مفاهیم آینده‌نگر مورد بررسی در این نوشتار شامل مفاهیم معاد؛ مرگ؛ انتظار؛ عبرت‌آموزی؛ تدبیر در امور و بهره‌مندی از فرصت‌ها می‌باشند که تحت عنوان دو دسته مفاهیم آینده‌نگر دور و مفاهیم آینده‌نگر نزدیک مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱. مفاهیم آینده‌نگر دور

الف) معاد

اولین مفهومی که در متن آموزه‌های قرآن کریم، دلالت آشکاری بر آینده دارد، معاد

می‌باشد. هر چند این مفهوم دلالت بر آینده دور دارد؛ اما مضمون و محتوی و ایمان قلبی به آن، اثر مستقیم و جهت‌دهنده به زندگی آدمی در آینده نزدیک دارد. قرآن می‌گوید: «وَأَنَّ إِلَهِي رَبُّكَ الْمُتَّبِعِي؛ همانا نهایت و پایان به سوی پروردگارت می‌باشد» (نجم، آیه ۴۲)، همچنین می‌گوید: «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ؛ گفته کسانی که ایمان به قیامت ندارند این است که زندگی جز همین چند روز دنیا نیست که ما هم در آن مرگ و حیاتی را می‌جستیم و بعد هم روزگار ما را نابود می‌کند، لیکن این افکار و گفته‌ها روی علم و دلیل نیست بلکه تنها یک سری وهم و خیالی است که دارند» (جاثیه، آیه ۲۴).

قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا؛ آیا می‌پندارید که ما انسان را بی‌هوده خلق کردیم» (مؤمنون، آیه ۱۱۶)

به او هشدار دادیم که کار نیک و بد تو در هر شرایط و هر مقداری که باشد زیر نظر و مورد حساب قرار می‌گیرد «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال، آیات ۸ و ۷).

آری، انسان در گرو عمل خویش است «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (مذثر، آیه ۳۸).

حتی از گوش و چشم و دل انسان از شنیدن‌ها، گفتنی‌ها و فکرکردنی‌ها بازپرسی می‌شود «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء، آیه ۳۷).

آیا انسان گمان می‌کند که رها و بدون تکلیف است «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى» (قیامت، آیه ۳۶).

ما همه از خداییم و همانا به سوی او بازگشت می‌کنیم «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، آیه ۱۵۶).

هر نفسی بر اساس آنچه که کسب کرده است پاداش داده می‌شود «وَلْيُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ» (جاثیه، آیه ۲۲).

«لقمان به فرزند خویش می‌فرماید: ای پسر! حتی اگر هم وزن یک دانه خردل کار انجام دهی، خواه این کار در محکم‌ترین مناطق و در درون سنگ‌های سخت باشد و یا

در دورترین مناطق و آسمان‌ها باشد و یا در عمیق‌ترین جاها و در درون زمین و خاک‌ها باشد؛ بالاخره خداوند آن عمل را در روز قیامت می‌آورد و هیچ کاری از دیدگاه خداوند مخفی نمی‌ماند» (لقمان، آیه ۱۵).

قرآن کریم درخصوص عالم قیامت تعبیرات مختلفی دارد و هر تعبیری بابی از معرفت است. یکی از آنها الیوم‌الآخر است، در این تعبیر دو نکته نهفته است:

الف) حیات انسان، مجموعاً به دو دوره تقسیم می‌شود: یکی، دوره‌ای که اول و ابتداست و پایان می‌پذیرد. (دوره دنیا) و دیگری دوره‌ای که آخر است و پایان‌ناپذیر است (دوره آخرت).

ب) هم‌اکنون که دوره اول و نخستین را طی می‌کنیم و به دوره دوم نرسیده‌ایم و از ما پنهان است، سعادت ما در این روز و آن روز به این است که به آن دوره و آن روز ایمان پیدا کنیم. سعادت ما در این روز، از آن جهت بسته به این ایمان است که ما را متوجه عکس‌العمل اعمال می‌کند و درمی‌یابیم که اعمال و رفتار ما از کوچکترین اندیشه‌ها، گفتارها و کردارها تا بزرگ‌ترین آنها مانند خود ما روز اول و روز آخر دارند، چنین نیست که در روز اول پایان یابند و معدوم گردند، بلکه باقی می‌مانند و در روز دیگر به حساب آنها رسیدگی می‌شود. پس باید تلاش کرد که اعمال و نیات خود را نیکو ساخته و همواره در راه نیک‌خوبی گام برداشت؛ چراکه مایه حیات سعادت‌آمیز یا شقاوت‌آمیز انسان در آن جهان، اعمال و رفتار او در این جهان است. از این روی، قرآن کریم ایمان به آخرت را برای سعادت بشر یک امر حتمی و لازم برمی‌شمارد؛ در واقع یکی از آثار اساسی اعتقاد به عالم آخرت این است که به ما و اندیشه و هستی ما معنی و جهت می‌دهد.

آثار تربیتی ایمان به معاد

۱. بهجت و انبساط: مهمترین چیزی که انسان از آن رنج می‌برد و زندگی را برای او ناگوار می‌سازد، انواع نگرانی‌هاست که زندگی آدمی را احاطه کرده است. نگرانی از گذشته و فرصت‌های از دست رفته و زیان‌هایی که دام‌گیر انسان شده، نگرانی از آینده و پایان زندگی و از دست دادن دوستان و بستگان، اموال، قوای جسم و

جان و نگرانی از حوادث گوناگون پیش‌بینی نشده‌ای که همچون طوفانی، آرامش زندگی را بر هم می‌زند.

از آنجا که عصر ما از جهتی عصر راحتی انسان‌هاست، ساعات کار نسبت به گذشته کم شده، بارها از دوش انسان برداشته شده و بر دوش چرخ‌های عظیم کارخانجات افتاده و حتی در درون خانه‌ها، وسایل برقی کارهای مشکل و سنگین را بر عهده گرفته، خانه‌ها مدرن‌تر و مجهزتر گردیده است و انواع وسایل و سرگرمی‌های مطبوع و مدرن، رنگ تازه‌ای به زندگی انسان بخشیده است؛ با این حال انتظار می‌رود انسان عصر ما در آرامش کامل فرو رود و از سلامت کامل جسم و روح برخوردار باشد ولی به روشنی می‌بینیم اضطراب و نگرانی او را بیش از همیشه رنج می‌دهد، بیماران روانی روز به روز بیشتر، خودکشی در حال گسترده‌ی و پناه بردن به مشروبات الکلی و مواد مخدر در افزایش است. عامل اصلی این امر عمدتاً احساس پوچی و بی‌هدف بودن زندگی، احساس نداشتن پناهگاه در مشکلات طاقت‌فرسا، تصویر وحشتناک از چهره مرگ و بدبینی آزاردهنده و گاه ترس از آینده جهان و آینده زندگی شخصی است.

بدون شک ایمان به سرای دیگر و زندگی جاویدان در آن عالم، توأم با آرامش و عدالت می‌تواند به این نگرانی‌ها پایان دهد.

پروفسور یونگ، استاد معروف روانکاوی که از دستیاران مشهور فروید است، در یکی از سخنان خود می‌گوید: دو سوم بیماری‌هایی که از سراسر جهان به من مراجعه کرده‌اند افراد باسواد و موفق هستند که درد بزرگ یعنی پوچی و بی‌معنی بودن زندگی آنها را رنج می‌دهد، علت این است که بشر قرن بیستم به خاطر پیشرفت تکنولوژی و کوتاه‌نظری و تعصب، مذهب را از دست داده و سرگشته در جستجوی روح خویش است و تا مذهبی نیابد آسایش ندارد، چراکه بی‌مذهبی سبب بی‌معنی بودن و پوچی زندگی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۴۱۳).

قرآن کریم می‌فرماید: «آگاه باشید، اولیاء و دوستان خدا، نه ترسی (از آینده) دارند و نه غمی (از گذشته) ... آنها در زندگی دنیا و در آخرت شاد و مسرورند» (یونس، آیات ۶۲-۶۴).

اولین اثر ایمان به معاد از نظر بهجت‌زایی و انبساط‌آفرینی، خوش‌بینی است؛ چراکه ایمان به جهان آخرت، تلقی انسان رانسبت به جهان شکلی خاص می‌دهد؛ به این نحو که فرد آفرینش را هدفدار و هدف را خیر، تکامل و سعادت خود می‌داند و این امر مسلماً دید انسان را نسبت به نظام کلی هستی و قوانین حاکم بر آن خوش‌بینانه می‌سازد. دومین اثر ایمان به معاد از نظر بهجت‌زایی و انبساط‌آفرینی، روشن‌دلی است؛ چراکه انسان، جهان را به نور حق و حقیقت منور می‌بیند و همین روشن‌بینی فضای روح او را نورانی می‌سازد و سومین اثر ایمان به معاد در این خصوص، امیدواری به نتیجه خوب تلاش خوب است؛ چراکه **إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ** (توبه، آیه ۱۲۱).

چهارمین اثر از جهت بهجت و انبساط، آرامش خاطر است. ایمان به جهان آخرت، به انسان اعتماد و اطمینان می‌بخشد و دلهره و نگرانی نسبت به حوادث جهان را در برابر انسان زایل می‌سازد و در معنابخشی به زندگی این دنیا و پویایی آن آثار بسزایی دارد؛ چراکه فرد درخواهد یافت که:

۱. زندگی دنیوی جز مزرعه و کشتزاری برای حیات اخروی نیست و تمتعات مادی تا آنجا مجاز می‌باشد که مانع از رسیدن انسان به سعادت ابدی نگردد:

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»
(عنکبوت، آیه ۶۴).

۲. تحمل شداید و ناگواری‌ها به انگیزه به دست آوردن رضای الهی، پاداش‌های اخروی بزرگی را به دنبال دارد:

«... وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (بقره، آیات ۱۵۶-۱۵۷).

۳. بر پایه ایمان به معاد، مرگ پایان حیات نیست بلکه دریچه‌ای به سوی جهان ابدی است، چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید: «ایها الناس انا وایاکم خلقنا للبقاء لا للفناء لکنکم من دار الی دار تغلقون؛ ای مردم! ما و شما برای بقا و پایداری آفریده شده‌ایم، نه برای فنا و نابودی؛ لیکن شما ازسرای بی‌سرای دیگر منتقل می‌شوید. (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۷).

۲. تقوی و پاکدامنی: فرد و جامعه‌ای که به جهان آخرت و پاداش‌ها و کیفرهای الهی در سرای دیگر ایمان دارد و بر این عقیده است که: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله، آیات ۷-۸)؛ در نتیجه از گناه و پلیدی دوری گزیده و به فضیلت و پاکی روی می‌آورد و اگر احیاناً به گناهی آلوده گردد، ابراز ندامت کرده و به درگاه الهی استغفار می‌کند. از این رو، قرآن کریم یکی از صفات پرهیزکاران و هدایت‌یافتگان را، ایمان راسخ به عالم آخرت دانسته و می‌فرماید: «وَبِأَيِّ خَيْرٍ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره، آیه ۴).

و در جای دیگر، پس از آن که مؤمنان را به پرهیزکاری فرا می‌خواند، آنان را به توجه و تأمل در آنچه برای سرای دیگر تدارک می‌بینند، سفارش نموده و بار دیگر آنان را به پرهیزکاری دعوت می‌کند. آنجا که می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حشر، آیه ۱۸).

آنگاه وضعیت بهشتیان و دوزخیان را یادآوری می‌شود که آنان یکسان نبوده و فقط بهشتیان رستگار خواهند بود:

«لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ» (حشر، آیه ۱۸).

۳. تعهد و احساس مسئولیت: فردی که به روز بازپسین اعتقاد دارد، در برابر خدا و خلق احساس مسئولیت نموده و در برخورد با تباهی‌ها و نابسامانی‌ها بی تفاوت نمی‌باشد. قرآن کریم یکی از صفات منکران معاد را بی تفاوتی نسبت به تهیدستان و بی‌مهری نسبت به یتیمان دانسته و می‌فرماید:

«أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ * فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ * وَكَأَيُّ حُضٍّ عَلَيَّ طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (ماعون، آیه ۱۰۳).

ایمان به معاد یعنی اعتقاد به این که انسان در جهان آخرت در برابر اعمالی که انجام داده، مورد بازخواست قرار خواهد گرفت.

«وَلَسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل، آیه ۹۳).

بالا تر از آن اعمال خود را حاضر می‌یابد.

«وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا» (کهف، آیه ۴۹).

بدون شک، چنین ایمان و اعتقادی با هوسرانی و بی‌بندوباری‌ها سازگار نیست؛ بدین جهت انسان‌های هوسران و بی‌بندوبار، عالم قیامت را زیرسؤال برده و در وجود آن ابراز شک می‌نمایند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرْ أَمَامَهُ * يَسْأَلُ أَتَىٰ نَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (قیامت، آیات ۵-۶).

از این جا اهمیت این سخن امام علی (ع) روشن می‌گردد که فرمود:

«ان الغاية القیامة وكفى بذلك واعظاً لمن عقل» (نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۹۰).

۴. آینده‌نگری: یکی از آثار سازنده ایمان به معاد این است که قلمرو اندیشه و نظر انسان را گسترش می‌دهد انسان با ایمان، دنیا را گذرگاه و سرای آخرت را قرارگاه ابدی می‌داند، این باور دینی مایه بلندهمتی و تلاش فزاینده برای نیل به آینده‌ای سرنوشت‌ساز و تابناک می‌گردد؛ چراکه از نظر روانی آینده‌نگری و داشتن امید به فردایی روشن و تعیین‌کننده در خودباوری، از خود مایه گذاشتن، پشتکار و پایداری انسان نقش بسیار مؤثری دارد. امام علی (ع) می‌فرماید:

دنیا، چشم‌انداز نهایی انسان‌های کوردل و ناآگاه است. آنان جهان‌های دیگر را نمی‌بینند، اما انسان بصیر و روشن‌بین آینده را هم می‌بیند و می‌داند که سرای ابدی در پس دنیا است. انسان بصیر از طریق دنیا به آخرت می‌نگرد (به دنیا با دید ابزار می‌نگرد) ولی انسان فاقد بصیرت، به خود و دنیا می‌نگرد (به دنیا با دید غایی نگاه می‌کند) انسان بصیر از دنیا برای آینده خویش زاد و توشه برمی‌گیرد و انسان فاقد بصیرت برای دنیا توشه و زاد آماده می‌کند (همان، خطبه ۱۳۳).

۵. جهت‌دهی به اعمال: قرآن کریم به کسانی که داد و ستد دارند می‌فرماید: وای بر کم‌فروشان، کسانی که وقتی از مردم پیمان می‌گیرند سعی دارند تمام بگیرند؛ لیکن هرگاه بنا دارند پیمان بدهند و یا وزن نمایند، کم می‌دهند؛ سپس می‌فرماید:

«أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ» (مطففین، آیه ۵).

در کتاب غررالحکم از امام علی (ع) نقل شده است که:

«هم خود را در معاد قرار ده تا صالح شوی» (آمدی، ج ۱، ۱۳۷۸، ص ۳۷).

تأثیر ایمان به معاد در حسن اعمال به قدری آشکار است که امیرمؤمنان علی(ع) تعجب می‌کند از کسی که ایمان به آخرت دارد و در حسن اعمال خویش نمی‌کوشد و می‌فرماید: «عجبت لمن تعلم ان للاعمال جزاء أکیف لایحسن عمله» (همان، ج ۲، ص ۴۹۵).

رسول اکرم(ص) نیز در خصوص علانم و نشانه‌های اهل یقین می‌فرماید:

«آنها به بهشت ایمان دارند لذا مشتاق آنند (و برای رسیدن به آن تلاش در نیکی‌ها دارند) و به آتش دوزخ یقین دارند، لذا برای رهایی از آن سعی می‌کنند (و گرد گناه نمی‌گردند) و یقین دارند که حساب روز قیامت حق است؛ لذا به حساب خویش می‌رسند (پیش از آنکه به حساب آنها برسند) (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳).

«قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمَ مِّنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةً غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره، آیه ۲۴۹).

کسانی که ایمان به ملاقات خدا و معاد داشتند، گفتند پیروزی مربوط به جمعیت زیاد یا کم نیست؛ چه بسا گروه کمی که بر گروه زیاد به اذن خدا پیروز می‌شوند، ما باید حمله کنیم و به وظیفه الهی خود عمل کنیم که خداوند با صابران است.

کسانی که در برابر محرومان بی‌تفاوت هستند، در قیامت اقرامی‌کنند و می‌گویند یکی از عوامل سقوط ما به دوزخ این بی‌تفاوتی‌هاست. «وَلَمْ تَكُ تُطِيعُ الْمُسْكِينُ» (مدثر، آیه ۴۲).

در سوره ماعون نیز می‌خوانیم که بی‌اعتنایی به یتیم و محروم به خاطر ایمان نداشتن به قیامت است.

بدون شک ایمان به معاد تأثیر بسیار عمیق و گسترده‌ای در اعمال انسان‌ها دارد. اصولاً اعمال انسان بازتاب اعتقادات اوست یا به تعبیر دیگر، رفتار هرکس با جهان‌بینی او ارتباط و پیوند مستقیم و تنگاتنگ دارد، کسی که می‌داند تمام اعمالش بی‌کم‌وکاست به زودی در دادگاهی مورد بررسی قرار می‌گیرد که قاضی آن از همه چیز آگاه است، نه توصیه‌ای در آن مؤثر است و نه رشوه‌ای و نه حکم دادگاهش تجدیدنظر دارد، سپس بر طبق آن پاداش و کیفر می‌بیند، بلکه از دیدگاه دیگر اعمال او همگی محفوظ است و

رنگ ابدیت به خود می‌گیرد و در زندگی دیگر با اوست. مایه آبرو یا سرشکستگی، آرامش یا شکنجه اوست و به دنبال آن سعادت جاودان یا عذاب همیشگی است؛ مسلماً چنین کسی نه فقط در اصلاح خود می‌کوشد بلکه در انجام اعمال گوناگون، فوق‌العاده سختگیر و موشکاف است. آیات قرآن ذیل، بازگوکننده این حقیقت است.

«فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا؛ پس هرکس

امید لقای پروردگار را دارد، باید عمل صالح انجام دهد و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نکند.» (کهف، آیه ۱۱۰).

«..... يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ...

وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ؛ آنها در باغ‌های بهشتند و از مجرمان سؤال می‌کنند که چه چیزی شما را به دوزخ فرستاد؟ می‌گویند (مجرمان) ما از نمازگزاران نبودیم و اطعام مستمند نمی‌کردیم و بی‌بسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم و همواره روز جزا را انکار می‌کردیم» (مدثر، آیات ۴۰-۴۶).

ب) مرگ

دومین مفهومی که در متن آموزه‌های دینی به خصوص قرآن کریم به کار رفته است و دلالت آشکاری بر آینده دارد، مرگ می‌باشد. این مفهوم نیز با آنکه در خصوص آینده دور، سخن می‌گوید و از آن جایی که ایمان و باور به آن، تأثیر اساسی بر عملکرد آدمی در حیات دنیوی او دارد، می‌تواند در کیفیت‌بخشی به زندگی آدمی نقشی مهم ایفا نماید. قرآن کریم، تعبیر خاصی در خصوص ماهیت مرگ دارد و در این مورد کلمه «توفی» را به کار برده است. توفی و استیفاء هر دو از ماده وفاء هستند. هرگاه کسی چیزی را به کمال و بدون کم‌وکاست دریافت کند، در زبان عرب کلمه توفی رابه کار می‌برند. در چهارده آیه از آیات قرآن کریم این تعبیر در مورد مرگ آمده است، از همه آنها چنین استنباط می‌شود که مرگ از نظر قرآن، تحویل گرفتن است، یعنی انسان در حین مرگ، توسط مأموران الهی، به تمام شخصیت و واقعیتش دریافت می‌شود.

از این تعبیر قرآن مطالب ذیل استنباط می‌شود:

الف) مرگ، نیستی، نابودی و فنا نیست، انتقال از عالمی به عالم دیگر است و حیات انسان به گونه‌ای دیگر ادامه می‌یابد.

ب) آنچه شخصیت واقعی انسان را تشکیل می‌دهد و «من» واقعی محسوب می‌گردد، بدن و جهازات بدنی نیست؛ زیرا بدن و توابع آن به جایی تحویل نمی‌شوند و در همین جهان، تدریجاً منهدم می‌گردند. آن چیزی که شخصیت واقعی را تشکیل می‌دهد و «من» واقعی محسوب می‌گردد، همان است که در قرآن از آن به «نفس» تعبیر شده است.

ج) نفس انسان که ملاک شخصیت واقعی انسان است و جاودانی انسان به واسطه جاودانگی اوست، از نظر مقام و مرتبه در افقی مافوق ماده و مادیات قرار گرفته است. نفس هر چند محصول تکامل جوهری طبیعت است؛ اما طبیعت در اثر تکامل جوهری که تبدیل به نفس می‌شود، افق وجودیش و مرتبه و مقام واقعیتش عوض می‌شود و در سطح بالاتری قرار می‌گیرد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَتَوَفَّوْنَ مِنْهُ فَآئَهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ؛ بگو این مرگی که از آن فرار می‌کنید، سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد. سپس به سوی کسی که از پنهان و آشکار با خبر است برده می‌شوید و شما را از آنچه می‌دانید خبر می‌دهد» (جمعه، آیه ۸).

قانون مرگ از عمومی‌ترین و گسترده‌ترین قوانین این عالم است. انبیای بزرگ الهی و فرشتگان مقربین همه می‌میرند و جز ذات پاک خداوند در این جهان باقی نمی‌ماند. «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». (رحمن، آیه ۲۷).

یکی از دلایل ترس از مرگ، عدم ایمان به زندگی پس از مرگ می‌باشد که به صورت باور عمیق در وجود انسان قرار ندارد و بر افکار و عواطف آدمی حاکم نگردیده است. علت دیگر برای ترس از مرگ دلستگی بیش از حد به دنیا است؛ چراکه مرگ میان فرد و محبوبش جدایی می‌افکنند. عامل سوم خالی بودن ستون حسنات و پر بودن ستون سیئات نامه عمل است.

در سوره واقعه آمده است:

«لَنْ نُجَنِّكَ قَدَرًا مِّنَ الْمَوْتِ وَمَا لَنْحُنَّ بِمَسْئُورِينَ؛ ما در میان شما مرگ را مقدر ساختیم

و هرگز بر ما پیشی نمی‌گیرد» (واقعه، آیه ۶۰).

و نیز در سوره ق بیان گردیده است که:

«وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ؛ و سرانجام سكرات مرگ به حق

فرا می‌رسد، این همان چیزی است که از آن می‌گریختی» (ق، آیه ۱۹).

غالباً تصور می‌کنند مرگ یک امر عدمی و به معنی فناست ولی این برداشت هرگز با آنچه در قرآن آمده و دلایل عقلی به آن رهنمون می‌شود، موافق نیست. مرگ از نظر قرآن یک امر وجودی است؛ یک انتقال و عبور از جهانی به جهان دیگر است و لذا در بسیاری از آیات از مرگ تعبیر به توفی شده که به معنی بازگرفتن و دریافت روح از تن به وسیله فرشتگان است.

توجه به حقانیت مرگ هشدار است برای همه انسان‌ها که بیشتر و بهتر بیندیشند و از راهی که در پیش دارند با خبر شوند و خود را برای آن آماده سازند.

در روایات می‌خوانیم که زیرک‌ترین افراد کسانی هستند که بیشتر یاد مرگ هستند. (مجلسی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵).

آثار تربیتی یاد مرگ

در جمله‌ای از رسول خدا (ص) نقل شده است که یاد مرگ را زیاد کنید که دارای چهار اثر است:

۱. «فانه يمحض الذنوب؛ گناهان شما را پاک می‌کند»؛
۲. «و يزهّد في الدنيا؛ علاقه مفرط شما را به دنیا کم می‌کند»؛
۳. «فان ذكركم عند الغنى هدمه؛ هرگاه در حال غنی یاد مرگ کنید، جلو مستی‌ها و طغیان‌هایی را که از سرمایه و ثروت است می‌گیرد».
۴. «و ان ذكركم عند الفقر ارضاكم بعيشكم؛ و نرگناه در حال تنگدستی و فقر انسان یاد مرگ افتد و فکر این باشید که چگونه باید در دادگاه الهی پاسخ درآمدها و مصرف‌ها و محرومان جامعه را بدهد، قهراً به همان مقدار کم راضی و خشنود می‌شود زیرا اگر مالی ندارد مسئولیتش هم کمتر است» (نهج البلاغه، کلام ۴۴۴).

حضرت علی(ع) می‌فرماید: «و من اکثر ذکر الموت رضی من الدنيا بالسیر؛ هرکس زیاد یاد مرگ کند، با مقدار کمی از دنیا دلگرم و راضی است و دیگر حرص و بخل در او نیست» (مجلسی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۶).

«من اکثر من ذکر الموت نجی من خداع الدنيا؛ هرکس زیاد یاد مرگ کند از حيله‌های دنیا رهایی پیدا می‌کند» (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۲).

«من ترقب الموت سارع الی الخیرات؛ هرکس مرگ را در جلو خود ببیند و منتظرش باشد، هرچه بیشتر کارهای خیر انجام می‌دهد» (همان).

و امام صادق(ع) در نقش و ارزش یاد مرگ چنین می‌فرماید: «ذکر الموت یمیت الشهوات و یقلع منابت الغفلة و یقوی القلب بمواعده الله و یرق الطبع و یکسر اعلام الهوی و یطفی فار الحرص و یحقر الدنيا» یاد مرگ، شهوت‌ها را از بین می‌برد؛ ریشه‌های غفلت را یکسره از برمی‌کند؛ دل انسان را با وعده‌های الهی محکم می‌کند؛ روحیه انسان را از قساوت به لطافت سوق می‌دهد؛ یاد مرگ نشانه‌های هوس‌ها را می‌شکند؛ آتش حرص را خاموش و دنیا را در جلو چشمان انسان کوچک می‌کند» (مصباح الشریعه، ص ۱۷۱).

۲. مفاهیم آینده‌نگر نزدیک

الف) انتظار

انتظار، یکی از مفاهیم مورد اشاره در مضامین دین اسلام است که دلالت آشکاری بر آینده دارد. این مفهوم به آینده نزدیکی اشاره دارد که تلازم منطقی با زندگی آدمی دارد. انتظار یعنی چشم‌داشتن و چشم به‌راه بودن (دهخدا، لغت‌نامه، ذیل کلمه انتظار؛ معین، فرهنگ فارسی، ذیل کلمه انتظار) چشم‌داشت یک تحول، چشم به‌راه آینده‌ای مطلوب، به این معنا، انتظار مفهومی است که با نهاد همه انسان‌ها عجین شده است و می‌توان گفت که همه انسان‌ها به نوعی منتظرند.

به بیان دیگر، انتظار یا امید به آینده هم‌زاد انسان است و اگر امید به آینده را از افراد بگیرند، سرنوشتی جز سکون، رکود، مرگ و تباهی نخواهد داشت. چنان‌که رسول اکرم(ص) می‌فرماید:

«امید برای امت من مایه رحمت است و اگر امید نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت».

لحظه لحظه زندگی انسان با امید همراه است و او هر دوره از عمر خود را به امید رسیدن به دوره بعدی پشت‌سر می‌گذارد. این امید به آینده و انتظار تحقق فردای بهتر، خود ریشه در یک ویژگی فطری دارد و آن کمال‌جویی انسان است.

انسان همواره طالب رسیدن به مراتب بالاتر و دست یافتن به قله‌های پیشرفت و ترقی است و این در همه انسان‌ها با تفاوت‌هایی در سطح کمال موردنظر و تلاش و جدیتی که برای رسیدن به کمال مطلوب صورت می‌گیرد، وجود دارد. در هر حال، انتظار و چشم به راه آینده بودن شعله‌ای است در وجود انسان که هرچند فروزان‌تر باشد، تحرک و پویایی فرد بیشتر خواهد بود و برعکس، هرچه این شعله به سردی بگراید، تلاش و فعالیت انسان نیز کاستی می‌پذیرد؛ تا آنجا که افراد تبدیل به موجوداتی سرد، بی‌روح، بی‌نشاط، گوشه‌گیر و بی‌تحرک می‌شوند و این همان حالتی است که در روانشناسی به افسردگی تعبیر می‌کنند و عامل اصلی آن، خشکیدن نهال امید در وجود انسان‌ها می‌باشد. با توجه به اهمیت و نقش اساسی امید به آینده و انتظار فرج در زندگی انسان‌ها، مکتب اسلام تلاش نموده است با تقویت این روحیه، تلاش و سرزندگی جوامع اسلامی و مسلمانان را به نهایت درجه خود رسانده و آنها را در هر زمان پویا و پایدار نگهدارد.

به نظر می‌آید امید به آینده و انتظار فرج به دو معنا در آموزه‌های دین اسلام به کار رفته است:

۱. انتظار به معنای عام: در این معنا، مکتب اسلام تلاش کرده است که از یک سو با فضیلت بخشیدن به «انتظار گشایش» و امید به آینده و از سوی دیگر با نکوهش یأس، ناامیدی، دلسردی و دلمردگی، روحیه تلاش و تکاپوی سازنده را در افراد جامعه اسلامی زنده نگاه دارد و از ایجاد حالت یأس و ناامیدی در زندگی شخص مسلمان جلوگیری کند.

اهتمام دین اسلام به این معنای عام از انتظار و امید به آینده تا بدان حد بوده که از یک سو امید به فرارسیدن گشایش از سوی خداوند در زمره برترین اعمال برشمرده

شده و از سوی دیگر یأس و ناامیدی از رحمت خداوند از جمله گناهان کبیره به شمار آمده است. قرآن کریم ناامیدی از رحمت خدا را از ویژگی‌های کافران برشمرده و از زبان حضرت یعقوب (ع) چنین نقل می‌کند:

«پسرانم! بروید و از یوسف و برادرش جست‌وجو کنید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می‌شوند» (یوسف، آیه ۸۷).

شاید بتوان گفت بسیاری از روایاتی که در آنها به فضیلت «انتظار فرج» به طور کلی و بدون ذکر متعلق فرج اشاره شده، به اصل تقویت روحیه امید به آینده و مقابله با حالت ناامیدی و بدبینی نسبت به آینده نظر داشته‌اند.

۲. انتظار به معنای خاص: در این معنا، انتظار گشایش و امید به آینده از حالت امری محدود، سطحی و فردی خارج شده و تبدیل به امری گسترده، عمیق و اجتماعی می‌گردد. با توجه به اینکه دین اسلام، امید به آینده و انتظار را یک گرایش فطری و جوهره زندگی انسان می‌داند، تلاش نموده است که این گرایش را از یک سو توسعه و از سوی دیگر تعمیق بخشد. انتظار در اینجا به معنای آن است که چشم به راه آینده‌ای باشید که حقیقت مطلق، عدالت مطلق و معنویت مطلق در جهان حاکم شود. در این معنا، انتظار تنها به ظهور مردی تعلق می‌گیرد که اگر بیاید نهایت خوبی‌ها، برای همه انسان‌ها در سراسر جهان فراهم خواهد شد. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۳، ص ۱۴).

ویژگی‌های انسان منتظر

حال باید دید اعتقاد به معنای عام و خاص انتظار چه اثری بر بینش و نگرش و عملکرد فرد خواهد داشت و چه تعهداتی را به دنبال خواهد آورد و انسان منتظر باید دارای چه خصیصه‌هایی باشد.

۱. اندیشیدن به آینده: یکی از ویژگی‌های انسان منتظر این است که به واقعه‌ای که در آینده اتفاق خواهد افتاد، ایمان دارد. خداوند دو هدیه بزرگ به ما کرامت فرموده است: نخست این که قیامت را وعده داده است و در آینده اتفاق خواهد افتاد، دوم این که موعودگراست. آینده‌ای را به نام عصر ظهور پیش‌بینی کرده است که در آن، شیعیان

منتظر دوازدهمین حجت الهی، حضرت مهدی‌اند. بنابراین یکی از ویژگی‌های تربیتی انسان منتظر این است که به آینده‌ای با وقایع و ویژگی‌های خاص می‌اندیشد.

۲. آمادگی: آمادگی، به معنای آن است که نسل منتظر، اعم از کودک، نوجوان و جوان باید بداند که در عصر ظهور چه مسئولیتی برعهده دارد و چه نقشی را می‌باید ایفا نماید. انسان منتظر باید آمادگی کارگزاری حکومت جهانی را داشته باشد. امام زمان (عج) به نیرو و فردی نیاز دارد که بتواند با پدیده‌ها، شرایط و مسائل مواجه شود. این امر که افراد در دوران غیبت، قابلیت‌ها و تخصص‌های خودشان را گسترش ندهند، با مفهوم انتظار، تطابق ندارد. از جمله آمادگی‌های مورد نیاز، کسب معرفت و بینش نسبت به وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. این موضوع تا بدان درجه از اهمیت قرار دارد که در روایات بسیاری که به طریق شیعه و اهل سنت از پیامبر (ص) و ائمه معصومین نقل شده است چنین آمده است که «هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است» (مجلسی، ج ۸، ۱۳۸۰، ص ۳۶۸)؛ آمادگی مورد نیاز دیگر، پیراستن خود از خصایص ناپسند و آراستن خود به اخلاق نیکو می‌باشد؛ چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «هرکس دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم (ع) باشد می‌بایست منتظر باشد و در این حال به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر است» (نعمانی، ج ۱۶، ۱۳۹۷، ص ۲۰۰). سومین آمادگی؛ ارتقاء توانمندی‌های فکری و معرفتی در زمینه‌های مختلف مورد نیاز آدمی می‌باشد. پیامبر اکرم (ص) در این خصوص می‌فرماید برای هر چیز اساس و پایه‌ای وجود دارد، اساس و پایه این دین (اسلام) فهم عمیق است و یک فقیه در برابر شیطان از هزار مسلمان عبادت‌گزار (بدون شناخت) محکم‌تر و موثرتر است (نهج الفصاحه، ح ۹۰). بنابراین در دوران انتظار باید افراد به بنیان‌های عمیق علمی دست یابند تا در مقابل اندیشه‌ها و ایده‌های مختلف توان رویارویی داشته باشند.

۳. امید به آینده: امیدواری و نگرش مثبت به آینده جهان از ویژگی‌های نسل منتظر است. اگر افراد خود را در این شرایط ببینند و تصور نمایند که منتظر دادگستر و عدل‌گستر جهان هستند، مسلماً در راستای تحقق اهداف این موعود تلاش خواهند کرد

و نگرش منفی و یأس آور نسبت به جهان نخواهند داشت. اگر امید به آینده نباشد، انسان دچار افسردگی خواهد گشت و سرنوشت جهان را بسیار تأسفبار و نگران‌کننده خواهد دید. نگرش مثبت به آینده، انگیزه حرکت و پویایی به انسان می‌دهد و باعث تقویت اراده، استقامت و پایداری در برابر مشکلات و ناگواری‌ها می‌گردد و همچنین توانمندی افراد را در ابعاد مختلف مضاعف می‌گرداند. آلپورت^۱، یکی از صاحب‌نظران علم شخصیت معتقد است: «(اشخاص بر خوردار از سلامت روان)، فعالانه در پی هدف‌ها، امیدها و رؤیاهای خویشند و رهنمون زندگی‌شان معناجویی، ایثار و حسن تعهد است. تعقیب هدف، هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد. اگر هدفی را باید کنار گذاشت باید بی‌درنگ انگیزه نوینی آفرید. افراد سالم به آینده می‌اندیشند و در آینده زندگی می‌کنند» (شولتس، ۱۳۶۲، ص ۲۵).

رویکرد آینده‌گرا با ویژگی «سلامت روان» نسبت معقول و منطقی دارد، در این خصوص ویکتور فرانکل^۲ می‌گوید: «شخصیت‌های سالم، ویژگی‌های دیگری هم دارند؛ به آینده می‌نگرند و به هدف‌ها و وظایف آتی توجه می‌کنند. در واقع به چنین هدف‌هایی نیاز دارند. این ویژگی انسان است که تنها با نگرش به آینده می‌تواند زندگی کند. او در ادامه نظریاتش می‌افزاید: «بدون اعتقاد به آینده، محمل معنوی زندگی از میان می‌رود و روح و جسم به سرعت محکوم به فنا می‌گردد. باید برای ادامه زندگی دلیلی داشت، در راه هدفی آتی کوشید، و گرنه زندگی معنای خود را از دست می‌دهد» (همان، ص ۴۴).

انتظار در مکتب شیعه، علاوه بر اینکه، نوعی امید به آینده است، چشم به راه یک رویداد بزرگ و تحول عمیق بودن است. بر این اساس، فردای ظهور، فردایی روشن‌تر و بهتر از امروز است، زیرا همه اختلاف‌ها و خصومت‌هایی که ناشی از محدودیت اندیشه و نارسایی عقل بشر است، از میان برمی‌خیزد و در پرتو شکوفایی خرد، جای خود را به عطفوت، رحمت و مناسبات صمیمانه می‌بخشد.

۴. جهانی شدن: چهارمین ویژگی که برای نسل منتظر می‌توان در نظر گرفت، این است که انسان از خویشتن و از درون خودش بیرون بیاید و جهانی شود و از پرداختن دائم به مسائل صرفاً شخصی و جزئی خودداری نماید، چراکه خودمحوری برای جامعه بسیار خطرناک خواهد بود. فرد خودمحور، کسی است که فراتر از حوزه شخصی خودش، نمی‌اندیشد و هر چیزی در درون خانه او معنا دارد. درحالی‌که انتظار، انسان را از این حصار بیرون می‌آورد و جهانی می‌کند و افراد را ملزم می‌نماید که به مسائل حاکم بر جهان بیندیشد و به واقعیت‌هایی فکر کند که کل انسان‌های روی کره زمین درگیر آن هستند و در جهت اصلاح چالش‌ها و نارسایی‌ها و بحران‌های حاکم بر زندگی انسان‌ها در ابعاد مختلف فکری، اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی تلاش نماید. در واقع اعتقاد به مهدویت تعهد و مسؤولیت اجتماع را در فرد تقویت می‌نماید.

۵. زیستن با یاد او: ما باید به دنبال آن باشیم که در محضر امام موعود، یک فرد توانمند از نظر معرفتی، اخلاقی و جسمانی بوده و رهروی طریق هدایت و صراط مستقیم باشیم، منتهی اتخاذ چنین خصیصه‌هایی، نیاز به آمادگی قبلی دارد و ائمه(ع)، خود بهترین الگو برای جوانان جهت کسب آمادگی‌های لازم می‌باشند. بنابراین باید به نسل منتظر پیاموریم که از ائمه هدی(ع)، بخصوص از امامی که در پس پرده غیبت است، چگونه استفاده کند. نوجوانان و جوانان باید لحظه به لحظه از امام زمان(عج) بهره بگیرند، بنابراین یکی از ویژگی‌های نسل منتظر، این است که در تمامی اعمال و رفتار خویش، توجه به امام زمان(عج) داشته باشد و بر طبق سیره نظری و عملی و دستورات ایشان عمل نماید و این امر زمانی ممکن خواهد بود که یاد این امام همام، ملکه ذهن افراد گردد.

۶. حرکت و تلاش در جهت فراهم‌سازی مقدمات ظهور حضرت مهدی(عج): مفهوم انتظار، سه پایه اساسی دارد که عبارت است از:

۱. ناخشنودی از وضع موجود یا قانع نبودن به آن

۲. امید و باور به آینده مطلوب

۳. تلاش در جهت تحقق آینده مطلوب

حال اگر بخواهیم با توجه به این سه رکن، مشخص کنیم که ویژگی فرد منتظر چیست، باید چنین گفت که او کسی است که اولاً، آگاهی نسبت به شرایط موجود و معرفت نسبت به شرایط عصر ظهور دارد؛ ثانیاً، باور به تحقق وعده الهی در مورد آینده جهان و حاکمیت نهایی دین خدا بر سراسر زمین دارد و ثالثاً، در جهت زمینه‌سازی و فراهم نمودن مقدمات لازم جهت ظهور امام مهدی (عج) و تحقق جامعه موعود، حرکت و فعالیت و تلاش لازم را به عمل می‌آورد. از جمله اساسی‌ترین هدفی که باید مورد نظر باشد تا بستر مناسب برای مقدمات ظهور فراهم گردد؛ برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در جهت تربیت افراد در ابعاد مختلف تربیت عقلانی، جسمانی، اجتماعی و عاطفی می‌باشد؛ چراکه تحقق این هدف منجر به آن می‌گردد که سایر اهداف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امام مهدی (ع) در عصر ظهور به خوبی محقق گردد.

۷. وحدت و همبستگی: چنانچه انتظار را به عنوان یک آرمان بنگریم. در جنبه‌های فردی و اجتماعی نیز دارای آثاری خواهد بود. نخست از لحاظ فردی، موجب تمرکز افکار و نیروهای آدمی می‌شود، زیرا همه آنها ناظر به یک هدف، یعنی انتظار ظهور هستند و این امر به نوبه خود، موجب وحدت شخصیت او می‌گردد. وحدت شخصیت از هدر رفتن توانایی‌ها و قابلیت‌ها جلوگیری می‌کند و زمینه رشد و ظهور قدرتی شگرف و فوق‌العاده را فراهم می‌کند، زیرا چنین وحدتی در درون آدمی، تضادهای درونی را از میان می‌برد. از لحاظ اجتماعی نیز، در میان جامعه‌ای که بزرگ‌ترین آرمانش، ظهور امام عصر (ع) است، نوعی همدلی، همنوایی و هم‌اندیشی پدید می‌آید. چراکه احاد جامعه، در جهت تحقق یک هدف مشخص؛ برنامه‌ریزی، بسترسازی و فعالیت می‌نمایند.

۸. تعهد و مسؤولیت اجتماعی: یکی از آثار تربیتی انتظار، در بعد تعهدها و مسؤولیت اجتماعی و احساس دیگرخواهی و انسان‌دوستی عینیت می‌یابد؛ زیراکه در مفهوم انتظار، انسان‌گرایی نهفته است. به این بیان که انسان منتظر، پیوندی گسسته‌ناپذیر با هدف‌ها و آرمان‌های امام منتظر و موعود خود دارد و در آن راستا گام برمی‌دارد و همسان و همسوی آن اهداف و آرمان‌ها حرکت می‌کند و همه جهت‌گیری‌ها، گرایش‌ها و گزینش‌هایش در آن چهارچوب قرار می‌گیرد. امام موعود، یار و یاور واقعی مظلومان و حامی حقیقی

مستضعفان است. او گسترنده دادگری در جامعه انسانی است، پس جامعه منتظر و انسان‌های دارای خصلت انتظار باید در زمینه خواست‌ها و هدف‌های امامشان عمل کنند و به یاری انسان‌های مظلوم و محروم بشتابند و دشواری‌ها و مشکلات گرفتاران را تا حد توان، برطرف کنند و اگر چنین شد، در قلمروی جامعه منتظر، محروم و تهیدست و بیمار بی‌درمان؛ دلتنگ، افسرده، اندوهگین و گرفتار باقی نخواهند ماند.

امام رضا (ع) می‌فرماید: «خداوند توانمندان را مکلف کرده است که برای امور ناتوانان و بینوایان بپاخیزند» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۹).

امام کاظم (ع) می‌فرماید: «هرکس برادر مؤمنش حاجتی را به او عرضه کند، بی‌گمان این رحمت الهی است که به او روی آورده است. اگر آن را پذیرفت (و برای برآوردن نیاز او اقدام کرد) خود را به ولایت ما پیوند زده است و این (پیوند) به ولایت خدا متصل است. (کلینی، ج ۲، ۱۳۶۵، ص ۱۹۶).

مؤلف کتاب مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم (ع) در فصل ۳۷ کتاب می‌فرماید: «(از جمله تکلیف‌ها در دوران غیبت) خرسند کردن مؤمنان است که این موجب خرسندی خاطر مولای ما، حضرت صاحب الزمان می‌گردد» (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۵۶) و در فصل ۷۹، کتاب می‌گوید: «از اموری که موجب قرب و نزدیک شدن به امام موعود (ع) است و مایه خرسندی خاطر او، کوشش در ادای حقوق برادران دینی است. چون این کار یاری امام است و مایه شادمانی قلب مبارک امام و چنگ زدن به ریسمان ولایتش می‌باشد و این احسان و نیکی نسبت به امام است (همان، ص ۴۱۹). به دلیل این تعالیم، استوارسازی پیوند و ارتباط با امام عصر (ع)، در پرتو استواری پیوندهای اجتماعی در جامعه منتظران تحقق می‌پذیرد و جامعه هرچه بیشتر در ادای حق مؤمنان و رفع نیاز نیازمندان بکوشد، ارتباط و پیوند با امام عصر (ع) استوارتر و بنیادی‌تر خواهد گشت.

(ب) عبرت‌آموزی

دومین مفهومی که دلالت بر آینده نزدیک دارد و آثار تربیتی گسترده‌ای در زندگی انسان

دارد؛ عبرت است. همه ادیان الهی و مکاتب تربیتی پیروان خود را به درس آموزی از سرگذشت پیشینیان و مقایسه موقعیت خود با آنان دعوت می‌کنند. اسلام نیز به طور گسترده مسلمانان را به سیر در آفاق و انفس، توأم با تفکر و اندیشه در سرگذشت دیگران فراخوانده است؛ شکی نیست که این فراخوانی به دلیل تأثیر چشمگیری است که بر رفتار انسان داشته است. قرآن کریم هفت بار کلمه عبرت و اعتبار را به کار برده و اهل بصیرت را بر آن ترغیب کرده است: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ». (حشر، آیه ۱۲). قرآن در جای دیگر هدف از بیان داستان‌ها و وقایع تاریخی را عبرت‌پذیری می‌داند. «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» (یوسف، آیه ۱۱۱).

راغب اصفهانی عبرت را چنین معنا می‌کند:

عبرت حالتی است که در آن معرفت ظاهری و محسوس سبب درک معرفت باطنی و غیر محسوس می‌گردد و انسان از امور مشهود به امور نامشهود منتقل می‌شود (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۳۲۰).

آثار تربیتی عبرت

۱. کلید بصیرت: یکی از مهمترین مقاصد تربیت آن است که انسان به درجه‌ای از درک و بصیرت برسد که بتواند از ظواهر امور بگذرد و به باطن آنها بنگرد و قدرتی فراگیر برای سنجش و اندازه‌گیری، تجزیه و تحلیل، حل و فصل امور، انتخاب و تصمیم‌گیری در ابعاد مختلف زندگی به دست آورد؛ عبرت راهی است که می‌تواند انسان را به این مقصد تربیتی برساند. امیرمؤمنان علی (ع) در کلام خود می‌فرماید:

«کسی که عبرت آموزد، آگاهی یابد و کسی که آگاهی یابد، می‌فهمد و آنکه بفهمد، دانش آموخته است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۸).

۲. انتقال تجارب: مرور آثار و تاریخ پیشینیان باعث کسب تجربه می‌گردد. امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید:

«همانا عاقل کسی است که تجربه‌ها او را پسند دهند» (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۷۵، کلام ۳۸۶۳).

۳. بازداري از خطا: از فوائد و آثار تربیتی «عبرت» می‌توان به هدایت‌گری آن اشاره کرد. عبرت‌ها همواره انسان را به سوی رشد، کمال و راه درست هدایت می‌کنند و چراغ‌هایی هستند که مسیر صحیح زندگی را نشان می‌دهند.

علی (ع) می‌فرماید: «عبرت گرفتن، انسان را به سوی راه صواب و درست می‌کشاند» (شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۹۱، کلام ۱۱۲۱).

ثمره این هدایت‌گری نیز دوری از خطاست:

«میوه عبرت گرفتن، نگاهداری است» (همان، ج ۵، ص ۲۱۷، کلام ۸۰۵۶).

یا در جای دیگر می‌فرماید:

«هرکس عبرت گرفتن او بسیار باشد، لغزش او کم خواهد شد».

چراکه فزونی عبرت‌ها ابهام را از چهره امور می‌زداید، شباهت را از بین می‌برد، صراحت خاصی به مسائل می‌بخشد و آنها را شفاف می‌کند.

۴. عبرت چراغ راه آینده: عبرت، چراغی فرا روی آینده است و فردای بهتر و درخشان در گرو عبرت از گذشته است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «اگر از آنچه گذشته است عبرت بگیری، آنچه راکه باقی است حفظ خواهی کرد» (نهج البلاغه، نامه ۴۹).

یا در جای دیگر بیان می‌دارند:

«از (حوادث) گذشته دنیا برای باقیمانده آن عبرت گیر، چراکه بعضی از آن حوادث شبیه بعضی دیگر غایت و پایانش به ابتدای آن می‌پیوندد و (در هر حال) تمام آن گذر او ناپایدار است» (همان، نامه ۶۹).

انتقال تجارب می‌تواند انسان را از بیشتر خطاها بازدارد و چراغی فراوری فرد قرار دهد تا آینده‌ای درخشان و سعادت‌مند برای او به ارمغان آورد.

یک نگاه عمومی به دنیا و ویژگی‌ها و سنت‌های حاکم بر آن پندهای فراوانی به انسان می‌دهد. شناخت دنیا و آشنایی با خصوصیات آن، تأثیر قابل ملاحظه‌ای در سلوک و رفتار فراگیرنده می‌گذارد. علی (ع) به‌طور جامع به توصیف ابعاد و ویژگی‌های مختلف دنیا پرداخته و به قصد تأثیرگذاری و عبرت‌دهی از آن سخن گفته است. تعابیر، تشبیهات

و تمثیلات گوناگونی که در خصوص دنیا در کلام ایشان وجود دارد، همه حاکی از این مطلب است: تعبیری چون: «الدنيا دار منى لها الفناء...» (نهج البلاغه، خطبه ۴۵)، «الدنيا دار فناء و عناء و غیر و عبر...» (همان، خطبه ۱۱۴)، و صدها تعبیر دیگر، همه در صدد دادن شناخت عبرت آموز به انسان‌هاست. خود حضرت پس از توصیه‌های فراوان در ابداً گوناگون به فرزندش امام مجتبی (ع)، هدف خود را از این همه سفارش چنین بیان می‌کند:

«پسر عزیزم، من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش و نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم و از آخرت و آنچه برای انسان‌ها در آنجا فراهم است، اطلاع دادم و برای تو از هر دو مثال زدم تا به آن پند پذیری و بر اساس آن در زندگی گام برداری» (همان، نامه ۳۱).

تاریخ و حوادث مختلف آن نیز از مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع عبرت‌آموزی است. بخش عظیمی از آیات قرآن ذکر مباحث تاریخی در قالب داستان، قصه و خاطره تاریخی است و همه اینها با هدف پندآموزی و عبرت‌دهی به مخاطبان صورت گرفته است. در قرآن کریم پس از ذکر داستان حضرت یوسف (ع) به عنوان نتیجه تربیتی آن، چنین آمده است:

«سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود، اینها داستان دروغین نبود، بلکه وحی آسمانی است و هماهنگ است با آنچه پیش روی او (از کتاب آسمانی پیشین) قرار دارد و شرح هر چیزی (که مایه سعادت انسان است) و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند» (یوسف، آیه ۱۱۱).

امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید:

«آیا برای شما در آثار پیشینیان وسیله عبرتی نیست که شما را (از کردار بد) بازدارد؟ و آیا اگر اندیشه کنید در زندگی پدران خود، آگاهی و عبرت‌آموزی نیست؟» (همان، خطبه ۹۹).

ج) تدبیر در امور

تدبیر در امور، سومین مفهومی است که دلالت بر آینده‌نگری دارد و در متن آموزه‌های دینی به آن اشاره گردیده است. «إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا مِنْ عِنْدِهِ ذِكْرُكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ أَقْلًا تَذَكَّرُونَ؛ پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت و به تدبیر کار (جهان) پرداخت...» (یونس، آیه ۳).

«اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ؛ خداوند همان کسی است که آسمان را بدون ستونی که قابل رویت باشد آفرید، سپس بر عرش استیلا یافت (و زمام تدبیر جهان را به دست گرفت) و خورشید و ماه را مستقر ساخت که هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند. کارها را او تدبیر می‌کند، آیات را تشریح می‌نماید تا به لقای پروردگارتان یقین پیدا کنید» (رعد، آیه ۲).

«فَالْمُدَبِّرَاتُ أَمْرًا؛ و آنها که امور را تدبیر می‌کنند» (النازعات، آیه ۵).

تدبیر از ماده تدبیر در اصل به معنی پشت‌سر و عاقبت چیزی است؛ بنابراین تدبیر به معنای بررسی کردن عواقب کارها و مصالح را سنجیدن و طبق آن عمل نمودن است. امام علی (ع) می‌فرماید: «ای مردم! در دنیایی که تدبیری در آن نباشد خیری نیست» (مجلسی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۷).

«هر که تدبیرش بد باشد، در نابودی و هلاک خود شتاب کرده است» (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۸).

«هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست... و هیچ عقلی همچون تدبیر نیست» (نهج البلاغه، خطبه ۳۹).

«بهترین دلیل زیادی عقل، حسن تدبیر است» (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۹۲).

«تدبیر کردن پیش از عمل مانع پشیمانی است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۲۲).

«اندازه کن سپس ببر، بیندیش سپس بازگو و بسنج سپس به کار برخیز» (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۵).

«تأمل کن تا دوراندیش باشی و چون جوانب کار روشن گشت، قاطعانه انجام ده» (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۱).

«تاکاری را خوب نسنجیده‌ای به آن اقدام مکن» (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۲).

د) بهره‌گیری از فرصت‌ها

بهره‌گیری از فرصت‌ها نیز دلالت ضمنی بر مفهوم آینده‌نگری دارد؛ چراکه استفاده از موقعیت‌های مناسب پیش‌آمده، می‌تواند ره‌توشه مناسبی برای شناخت موقعیت فعلی، آسیب‌ها، مسائل و وقایع پیش‌رو فراهم آورد که عدم بهره‌مندی از آن، تشویش خاطر و خسران را به دنبال خواهد آورد. چنانکه رسول خدا(ص) و شاگرد تربیت شده در محضر ایشان، امام علی(ع) چنین می‌فرمایند:

«به هر فرصتی نمی‌توان دست یافت» (نهج البلاغه، حکمت ۹۳۶).

«فرصت همچون ابر می‌گذرد، پس فرصت‌هایی که برای کار خیر پیش می‌آید غنیمت شمارید» (همان، حکمت ۱۰۹۶).

«فرصت به شتاب از دست می‌رود و به کندی بازمی‌گردد» (مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۷۸، ص ۷۲).

«فرصت را دریاب، تا مایه غصه نگردد» (نهج البلاغه، حکمت ۹۳۱).

«دیروزت از دست رفته و فردایت مشکوک است و امروزت معتنم، پس در بهره‌برداری از فرصت ممکن شتاب کن و از اطمینان کردن به روزگار بپرهیز» (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۸).

«هرکه فرصت را از وقت خود به تأخیر اندازد، مطمئن باشد که فوت خواهد شد» (همان، ص ۲۸۸).

«از کوتاهی کردن به هنگام آمدن فرصت بپرهیز که این میدانی است که به زیان اهل خود جریان دارد» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۰۸).

«هرکه از فرصت چنانچه باید بهره‌گیرد، از غصه در امان است» (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۱).

«ای مؤمنان از خدا پروا دارید و هرکس از شما بنگرد که برای فردا چه چیزی از پیش فرستاده است، تقوی پیشه سازید که خدا به آنچه می‌کنید، داناست» (حشر، آیه ۱۸).

«انسان خردمند در امروز مراقب فردای خویش است و از هم‌اکنون آنچه در پیش دارد می‌بیند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۹۲).

«مؤمنانی که آنچه را در پیش داشتند، می‌شناختند...» (مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۷۸، ص ۲۵).
«هرکس از پیش به استقبال کارها رود، بینا می‌شود و هرکس به آنها پشت کند (و ناآگاه با آنها روبرو گردد) سرگردان می‌ماند» (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۶).

«از آنچه می‌دانیم سود بر نمی‌گیریم و آنچه نمی‌دانیم نمی‌پرسیم و برای بلا و گرفتاری تا بر سرمان فرود نیاید، چاره‌ای نمی‌اندیشیم» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۷).

«کاری که نمی‌دانی چه زمانی ناگهان گرفتار آن خواهی شد، لازم است قبل از فرارسیدن زمان، خود را برای روبرو شدن با آن آماده کنی» (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴).

تحلیل و نتیجه‌گیری

در مجموع مفاهیم معاد، مرگ، انتظار، عبرت‌آموزی، تدبیر در امور و بهره‌مندی از فرصت‌ها، از آنجایی که ره‌توشه مفید و مناسبی جهت گام برداشتن در مسیر حرکت و رسیدن به مقصد نهائی سعادت دنیوی و اخروی آدمی در آینده فراهم می‌سازند، دلالت آشکار و ضمنی بر موضوع آینده‌نگری در اسلام دارند و توجه عملی به این مفاهیم، می‌تواند نقش سازنده تربیتی در رفتار، کردار و گفتار افراد داشته باشد و نهایتاً باعث بصیرت چشم و دل، جامع‌نگری و دور نگاه داشتن افراد از فروافتادن به ورطه خطرات و شبهات گشته و کیفیت حرکت و رسیدن به مقصد را سرعت می‌بخشد.

به این ترتیب، انسان اگر با توجه به این چشم‌اندازها، سفر زندگی دنیوی خویش را آغاز کند، می‌تواند امیدوار باشد که سرانجامی همراه با بهروزی و رستگاری را برای خود رقم زند.

موضوع معاد، از آن جهت که نحوه وضعیت انسان، کیفیت رسیدگی به اعمال او، سؤالات فراروی او، جایگاه و منزلت انسانی در آینده، ارتباط حیات اخروی با حیات دنیوی، نقش تعیین‌کننده و ساختاری فعالیت‌های انجام گرفته در حیات دنیوی برای حیات اخروی را به تصویر کشیده است؛ در واقع اشاره به آینده دوری دارد که آدمی می‌باید در آنجا به حیات خویش ادامه دهد و کیفیت حیات در این آینده دور، ارتباط تنگاتنگ و وثیقی با تلاش‌های انجام گرفته در آینده نزدیک فرد دارد و در واقع پایه‌گذاری سنگ

بنا و فراهم‌سازی مقدمات و توشه‌اندوزی در حیات دنیوی صورت گرفته و بهره‌برداری، نتیجه‌گیری و برداشت، اختصاص به آینده دور و حیات اخروی دارد.

بنابراین، توجه به این امر، می‌تواند جهت‌دهی مناسب و نقش اساسی در نیت، افکار و اعمال انسان‌ها داشته باشد؛ چراکه تصور این آینده و اعتقاد و ایمان التزام‌آور به آن، می‌تواند مایه امیدواری و هدفمندی مسیر حرکت آدمی گردد و نقش اساسی در اصلاح اعمال و عملکردها و دوری از رذایل اخلاقی داشته باشد. بنابراین به نظر می‌آید یکی از اهرم‌های اساسی که باید در نظام آموزش و پرورش کشور مورد تأکید قرار گیرد و توجه به آن می‌تواند در اصلاح نابسامانی‌های اخلاقی جوانان نقش تعیین‌کننده داشته باشد، توجه به این امر می‌باشد؛ البته به شرط آنکه محتواها و روش‌ها و ابزارهای مربوطه به نحو مناسبی طراحی گردند.

دومین مفهوم، مرگ می‌باشد که در واقع اشاره به آینده دارد. متأسفانه ذهنیت و تصویری که اکثر افراد از مرگ دارند، وحشتناک بودن و دهشت‌آور بودن آن است. بنابراین اکثراً از مطرح شدن این کلمه می‌ترسند و دوست ندارند سخنی از آن به میان آورده شود؛ درحالی‌که اگر به این واژه از منظر دیگری نگاه شود، مشخص خواهد شد که نه تنها ترس‌آور نیست بلکه می‌تواند به عنوان اهرمی قوی در جهت‌دهی به مسیر زندگی آدمی نقشی اساسی داشته باشد. به‌راستی مرگ‌آگاهی باعث بیداری دل و رفع حجاب‌ها و بصیرت چشم می‌گردد. اگر این واژه به عنوان ابزاری برای آگاهی‌بخشی مورد استفاده قرار گیرد، نتایج مثبتی را در اصلاح نابسامانی‌ها به دنبال خواهد داشت.

در واقع اگر نظام آموزش و پرورش کشور در تدوین اهداف و سپس در قالب محتوای دروس و مباحث کلاسی، بخشی را به طرح این موضوع اختصاص دهد و جوانب و ابعاد این موضوع به خوبی و با بیان شیرین و دلنشین توسط معلمان آگاه و توانمند روشن گردد و قالب‌های مناسبی برای طرح این موضوع در نظر گرفته شود، خواهیم دید که می‌تواند اثرات سازنده تربیتی زیادی در اصلاح امور دانش‌آموزان داشته باشد. همچنین موضوع استفاده و بهره‌مندی از فرصت‌ها، تدبیر در امور و عبرت‌آموزی به عنوان مفاهیم آینده‌نگری که اشاره به آینده نزدیک و حیات فعلی و

زیستی آدمی دارند، در واقع بیانگر مضامینی هستند که اگر مورد عمل قرار گیرند، می‌توانند حرکت آینده فرد را جهت‌دهی مناسبی کرده و کیفیت ببخشند؛ توجه به فرصت‌های پیش آمده و استفاده مناسب از آنها، دوراندیشی و تدبیر در امور قبل از انجام کار، و پندگیری و عبرت‌آموزی از حوادث و رخداد‌های پیش‌آمده در زمان گذشته و در زمان حال، می‌تواند ره توشه مناسبی برای فعالیت‌های آتی افراد فراهم آورد. بنابراین توجه به استفاده از این اهرم‌ها و بیان نتایج آینده‌نگرانه‌ای که به دنبال خواهد داشت، می‌تواند باعث اصلاح بسیاری از رویه‌ها و جلوگیری از بسیاری از خطاها و شکست‌ها گردد و انگیزه و امید به ادامه حرکت و تلاش بیشتر را در افراد تقویت نماید.

از سوی دیگر موضوع انتظار و باور مهدوی در دین اسلام، به دلیل پتانسیل قوی خود امکان ترسیم و طراحی یک استراتژی آینده‌نگرانه را فراهم می‌سازد؛ زیرا این باور، متوجه جهان آینده و آینده جهان است. موضوع مهمی که تمامی فلاسفه تاریخ، بدان توجه ویژه‌ای داشته‌اند و همه هم خود را مصروف طراحی برنامه‌ها و سازماندهی قوا برای این موضوع اساسی کرده‌اند. باور مهدی از جهان آینده و آینده جهان سخن می‌گوید؛ آن هم مبتنی بر فلسفه تاریخ ویژه تفکر دینی، همان که متکی به سنت‌های لایتغیر است، با پشتوانه‌ای وحیانی و کلام ائمه معصومین (ع) و نه ظن و گمان، البته این گفتگو تنها در ساحتی کلان نمی‌ماند، در ساحت پایینی از همه آنچه که مردم می‌باید بدان دست یابند و امور خود را سامان دهند، نیز سخن می‌گوید و در خود طرح‌های اجرایی و عملی دارد و در واقع اندیشه مهدویت تمامی جزئیات زندگی زیستی انسانی در آینده جهان را از جهات گوناگون به تصویر کشیده است.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۹)، ترجمه مکارم شیرازی، قم: نگین.
- نهج البلاغه (۱۳۷۴)، ترجمه دکتر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آل سیدحیدر، سید مصطفی (بی تا). *بشارة المصطفی*، قم: مؤسسه آل البيت.
- آمدی، عبدالواحد محمد (۱۳۷۸). *غررالحکم و دررالکلم*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ دوم.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، جلد ۲، تبریز، چاپ اول.
- اشتهدادی، محمد مهدی (۱۳۸۰). *حضرت مهدی فروغ تابان*، قم: مسجد جمکران.
- اکرمی، موسی (۱۳۷۶). «آینده شناسی و آینده نگری»، *رهیافت*، شماره ۱۶.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
- حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). *تحف العقول*، جلد ۱، انتشارات دفتر اسلامی، چاپ دوم.
- حکیمی، محمد (۱۳۸۱). *عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام*، پژوهشی در انقلاب جهانی مهدی (عج)، قم: بوستان کتاب.
- حکیمی، مهدی (۱۳۷۹). *امام مهدی و آینده زندگی*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (ع).
حیدری نیک، مجید (۱۳۸۱). «نگاهی دوباره به انتظار»، *انتظار*، شماره ۱.
- خوانساری، محمد (۱۳۷۳). *شرح غررالحکم و دررالکلم*، جلد ۱ و ۵، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا). *المفردات فی غریب القرآن*، تهران: مکتبه المرتضویه.
- سلیمان، کامل (۱۳۷۶). *یوم الخلاص (روزگار رهایی)*، ترجمه علی اکبر مهدی پور، جلد ۲، نشر آفاق.

- شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۳). *انتظار، بایدها و نبایدها*، مؤسسه فرهنگی موعود.
- شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۸۳). *استراتژی انتظار*، جلد ۱ و ۲، موعود عصر (عج).
- شولتس، دوان (۱۳۶۲). *روان شناسی کمال*، ترجمه گیتی خوشدل، تهران: نشر نو.
- شیخ صدوق (۱۳۸۰). *کمال الدین و تمام النعمه*، ترجمه منصور پهلوان، مسجد مقدس جمکران.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۲ق). *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، جلد ۳، قم: مکتب المؤلف، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی بابویه (۱۴۰۴ق). *عیون اخبار الرضا*، بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات.
- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی (۱۴۰۳). *الاحتجاج*، جلد ۱، مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، محمد بن علی (۱۴۰۹). *بشارة المصطفی*، جلد ۱، کتابخانه مرعشی نجفی، چاپ دوم.
- طبری، نجم الدین (۱۳۸۰). *چشم اندازی به حکومت مهدی (ع)*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *امالی*، جلد ۱، چاپ اول، قم: دارالتقافه.
- قمی، حاج شیخ عباس (۱۳۶۷). *منازل الاخره، پیرامون مرگ و جهان پس از مرگ*، قم: مؤسسه در راه حق.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). *کافی*، جلد ۱ و ۳ و ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۷۵). «اهمیت آینده شناسی و دورنگری»، *نامه مفید*، سال ۲، شماره ۴.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۰). *بحار الانوار*، جلد ۱۳، ترجمه حسن بن محمد ولی ارومیه‌ای، قم: مسجد جمکران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹). *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، زندگی جاوید و حیات اخروی*، قم: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). *قیام و انقلاب مهدی (عج) (از دیدگاه فلسفه تاریخ)*، قم: صدرا، چاپ پانزدهم.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق). *الارشاد*، چاپ دوم، بیروت: دارالمفید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۹). *پیام قرآن: روش تازه‌ای در تفسیر موضوعی قرآن*، جلد ۵، قم: مطبوعاتی هدف.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). *حکومت جهانی مهدی (عج)*، قم: مدرسه امام علی (ع)، چاپ هشتم.

موسوی اصفهانی، میرزا محمدتقی (۱۳۶۳). *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، جلد ۲، قم: مؤسسه الامام المهدی (عج).

نعمانی، ابی‌عبدالله محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). *الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق.